

این مقاله بر پایه اطلاعات دقیق وی‌بی‌خدش‌های تهیه شده که دوستان ما از مراکز مهم ضدانقلاب ایران در خارج از کشور بدست آورده‌اند

# باز هم هشدار میدهیم!



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۷۷۴  
شنبه ۱۴ تیر ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ روال

## کارنامه وزیر امور خارج ایران

صفحه ۲

### ضدانقلاب پرورده امپریالیسم تلاشهای خود را در داخل و خارج از ایران گسترش و سازمان میدهد

پرسی اطلاعات و اخبار رساله‌های گروهی در روزهای اخیر حاکی از آنست که ضد انقلاب تلاش‌های خود را در داخل و خارج ایران گسترش میدهد. سازمان دهنده و وسیع کننده اصلی فعالیت ضدانقلاب امپریالیسم آمریکاست. دیگر دولت‌های امپریالیستی با امپریالیسم آمریکا در این تلاش علیه انقلاب ایران از نزدیک همکاری میکنند. مراکز رهبری مستقیم توطئه و خرابکاری علیه ایران و انقلاب آن در دیگر کشورهای جهان سرمایه‌داری بویژه در فرانسه و انگلستان، در مصر، عراق و عمان قرار دارد. همه این فعالیتها در ارتباط نزدیک و برای تقویت و گسترش درگیریها، خرابکاریها، کارشکنیها و تحریکات ضدانقلاب در داخل کشور صورت میگیرد.

اخیرا بختیار، بگفته صدای آمریکا، در یک مراسم نیروزی در پاریس، ضمن صحبت با خبرنگاران هرگونه بقیه در صفحه ۲

## در پاسخ استعمال درباره تعرض عده‌ای از افراد ناآگاه و احیانا ضدانقلاب به بانوان بی حجاب نظر امام:

«ممکن است تعرض به زنها در خیابان و کوچه و بازار از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. از این جهت کسی حق تعرض ندارد و این گونه دخالتها برای مسلمانها حرام است و باید پلیس و کمیته‌ها از اینگونه جریانات جدا جلوگیری کنند» (از اطلاعیه وزارت کشور - ۱۲ تیر ۵۹)

## دو برداشت از سخنان پرورد امام:

### توده‌ها: ساواکی‌ها و کارشکنان را پاکسازی کنید

### لیبرالها: ظواهر طاغوتی را پاکسازی کنید

□ مبارزه طبقاتی در یکی از مهمترین عرصه‌ها، یعنی نوسازی و پاکسازی «ماشین دولتی» به اوج خود رسیده است.

انقلاب ایران که هنوز نواخته است یکی از درامهای بزرگ تاریخ یعنی نوسازی ریشه‌ای «ماشین دولتی» را بسودا انقلاب و شایسته انقلاب پسرانجام برساند اکنون بعد از ۱۶ ماه، رستاخیزی نوین را آغاز کرده است. دیروز توده‌های میلیونی درخروش خود، فریاد پرورد امام را تکرار کردند و خواستار استقرار آن نظام دولتی واداری شدند که بتواند هدفهای بزرگ ووظایف تاریخ‌سازانقلاب ضدامپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران را عملی سازد.

چه شد که اکنون، بعد از ۱۶ ماه، درحالیکه «هنر» بازمانده از رژیم منفور پهلوی، انقلاب را در عرصه‌های متعدد ترمز کرده است، رستاخیزی دیگر ضرور افتاده است؟ چه شد که اکنون بقول آیت‌الله منتظری توده‌ها از خویش بقیه در صفحه ۲

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم):

## دمکرات نماها بجای منطق به زور متوسل میشوند:

### هموطنان گرامی! مردم شرافتمند کردستان!

مواضع نادرست و انحرافی کادر رهبری سابق حزب دمکرات کردستان ایران به‌درجه‌ای رسیده بود که امکان تجدیدنظر و تصحیح آن باقی نمانده بود. بخشی از کادر رهبری چاره‌ای جز اعلام موضع و در جریان گذاشتن اعضا، هواداران حزب، مردم کردستان و هم‌میهنان خود، ندید.

«همه وزارتخانه‌ها اگر اصلاح نشود در اسرع وقت اصلاح می‌کنیم»  
به‌هنگام گذشتن از برابر جاسوسخانه شماره‌های مردم‌نمایانگر شدت نفرت این شیرزنان و شیر مردان انقلابی از امپریالیسم آمریکا بود:

«سازش، تسلیم نبرد با آمریکا»  
«آمریکا، آمریکا، مرگت پاد، ننگت پاد»  
آنان ضمن سیاسی و درود به دانشجویان نیرو خط امام خواهان استعمارزدایی فرهنگی شدند:

«دانشجوی خط امام»  
«پریاخیز، ازجاکن، فرهنگ استعماری، فرهنگ آمریکائی»  
مردم با درک محتوای عمیق پیام امام علیه نظام سرمایه‌داری و ست و بهره‌کشی و همچنین در پشتیبانی از خلق قهرمان فلسطین شعار:

«ایودز، ایودز، دشمن سرمایه‌دار...»  
«فلسطین پیروز است صیویولیم ناپود است»  
خبرنگار دیگر نامه «مردم» از زمینان امام حسین گزارش میدهد:

«از ساعت ۹ صبح روز جمعه راهپیمایی توده مردم به‌طرف دانشگاه تهران آغاز شد. بر روی یک پلاکارد نوشته شده بود: «هرگونه کم‌کاری، برافشایی، تطیل و مسامحه در ادارات همکاری یا ضدانقلاب است.»

تشریحی شرکت‌کننده در راهپیمایی که اکثریت آنان را زحمتکشان تشکیل می‌دادند بخواهی آگاهند که عوامل وابسته به رژیم گذشته در موسسات و ادارات لانه کرده‌اند و آماده‌اند که بقیه در صفحه ۲

### ضدانقلاب می‌کوشد با عمده کردن مسأله «حجاب اسلامی» خود را از زیر ضربه خارج سازد و با ایجاد تشنج و نارضائی انقلاب و رهبری انقلاب را آماج حمله کند

## چه دست‌هایی در کار ایجاد تشنج‌اند؟



بدنبال سخنان اخیر امام در مورد تسلط عوامل رژیم منفور پهلوی در ارگانهای دولتی و اعتراض پرورد وی علیه فعالیت‌های گسترده نیروهای ضدانقلاب در این ارگانها که به ایجاد نارضائی گسترده در میان مردم منجر شده و انقلاب را به فلج شدن تهدید می‌کند، و بدنبال تاکید قاطع وی بر ضرورت تصفیه جدی این ارگانها از عناصر فاسد و وابسته، تلاش‌های گسترده‌ای از جانب این نیروها برای منحرف ساختن آماج اصلی سخنان امام و حتی ایجاد تشنج در محیط جامعه، عمل آمده است.

تمام عمال رژیم پهلوی و جاسوسان آمریکا که به‌وسعت در ارگانهای دولتی و انقلابی رخنه کرده و علیه انقلاب ایران فعالیت می‌کنند، تمام آنهایی که یکی پس از دیگری در پی کشفشیکه‌های توطئه‌گر و خرابکار، نقاب از چهره چنانکار آنها دریده میشود، در پی سخنان امام به تکاپو افتاده‌اند و برای نجات خویش از ضربه نیروهای انقلابی و حفظ موقعیت خانمانه خود، به تلاش برخاسته‌اند.

عمال امپریالیسم آمریکا و رژیم پهلوی از دوسو در عقیم گذاردن موج جدید انقلابی که در پی سخنان امام برخاسته است، به اقدام برخاسته‌اند. از یکسو می‌کوشند تا اعتراض پرورد امام را به مسائل فرعی، جزئی و غیر-عمده محدود سازند و با بی‌رحمتی ساختن این مسائل که هیچیک به شبکه وسیع عمال بختیار، امیر-یالیسم آمریکا و وابستگان رژیم پهلوی، لطمه وارد نمی‌آورد، سخنان امام را از محتوای انقلابی خود خالی کرده و آنرا به ضد خود، به حربه‌ای برای ایجاد نارضائی قزوتتر و به بهانه‌ای برای عمل خود در جهت ایجاد تشنج در جامعه بدل کنند.

آنها برخلاف بیروان راستین خط امام و نیروهای انقلابی که به درستی سخنان صحیح و روشن امام بقیه در صفحه ۲

### در تظاهرات دیروز مردم شعار دادند:

## تحصن، اعتصاب، توطئه آمریکاست تفرقه، تشنج سلاح دشمن ماست

□ در یکی از مسوود قطعنامه راهپیمایی دیروز تهران منجمه میخوانیم:

ما خواستار اتحاد بیشتر نیروهای پیرو خط امام و شکل هرچه بیشتر آنها برای مقابله با نیروهای مخالف این خط که هر روز توطئه جدیدی را تدارک می‌بینند می‌باشیم.

□ حجة الاسلام موسوی خوئینی‌ها در قزوین منجمه گفت:

هشدارهای امام را درباره دشمن اصلی امریکائی چنانکار فراموش نکنیم. امام بارها گفته‌اند دشمن شماره یک ما امریکاست. همه بدبختی‌های ما از امریکاست.

□ مردم تبریز در راهپیمایی بزرگ خود منجمه این شعار را باخود داشتند:

خون شهیدان در انتظار تصفیه انقلابی ادارات و برچیدن نظام طاغوتی است.

بدنبال پیام پرورد امام خمینی، رهبر انقلاب، صبح دیروز میلیونها نفر از مردم قهرمان ایران برای هرچه بیشتر مستحکم کردن پیوند خود با امام امت و پشتیبانی از ندای امام جهت طاغوتزدایی و پاکسازی دستگاه‌های اداری از ساواکی‌ها و

بازماندگان و عمال جیره‌خوار رژیم منفور پهلوی و نشان دادن وحدت خود در برابر امپریالیسم آمریکا دست به تظاهرات وسیعی در سراسر ایران زدند.

### در تهران

صدها هزار نفر از مردم از نقاط مختلف شهر به سوی دانشگاه تهران سرازیر شدند. تظاهرکنندگان در طی راهپیمایی شعارهای گوناگونی علیه آمریکا و بقایای نظام طاغوتی رژیم گذشته دادند. خبرنگار نامه «مردم» از مسیر سیدخندان چنین گزارش میدهد:

«چهره‌های مسموم و پشت‌های گره کرده مردم نمایانگر اراده قاطع آنان در دفاع از دستاوردهای انقلاب و مبارزه با امپریالیسم و بقایای رژیم منفور شاهنشاهی بود. مردم یک‌پارچه دیگر نشان دادند که تا پایان راه و تأیید قلمی انقلاب دست از مبارزه نخواهند کشید و در تاکید این عهد فریاد برمی‌آوردند: «پیوند ما و رهبر هرگز گسستی نیست»  
عبد امام و امت هرگز شکستی نیست»

آنان قاطعانه خواستار بودند که محتوای اساسی رهنمودها و پیام‌های امام با جدیت و قاطعیت به‌اجرا درآید و بر علیه کارشکنان آشکار و نهان خروش برمی‌آوردند:

«سازشکار ناپود است»  
«خط امام پیروز است»  
«جوانان بریلاکاردهائی این جملات از امام‌خیمینی را نوشته بودند: «اگر شاهنشاهی هستی خب بگوئید تا ما تکلیفمان را با شما روشن کنیم.»

## برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!





# کارنامه وزیر امور خارجه

## به تفسیر نیازی دارد؟

**شاه خاکن:**  
در این موقع روسها با دزدیکی، در این مرز و بوم رخنه کرده و با تشکیل حزب توده مطمئن بودند که اساس ملت و قومیت ما را متزلزل خواهند ساخت. مجموعه سخنان شاه خاکن - جلد اول - صفحه ۲۱۷

**شاه خاکن:**  
توده‌ای‌ها با هم ایرانی از طرف روسیه ماموریت دارند که...

**پیام شاه خاکن - ۲۸ مرداد ۱۳۳۹**

**قطب زاده:**  
حزب توده مامورین ایرانی روسیه شوروی هستند. تلویزیون - کیهان - با ماداد (۱۲ تیر ۱۳۵۹)

شرکت میکنند نه تنها نماینده ملت‌های مسلمان نیستند که از خطرناکترین دشمنان اسلام بشمار می‌روند... (۷ بهمن - اطلاعات)

روزنامه کیهان ضمن سرمقاله‌ای تأکید کرد که... آن‌ها می‌خواهند جوی بسازند که افکار عمومی از این بسج و برانگیختگی علیه آمریکا منصرف شود و فریادهای مرگ بر آمریکا ملأ که همچنان متأثر از انقلاب اسلامی ایران هر روز ایام گسترده‌تری می‌گیرد در میانه‌های جدیدی که می‌آیند کمرنگ و خاموش سازند... رسالت اصلی ما این است که در برابر اسلام اسلام آبادی موضع افشاگرانه داشته باشیم... (۸ بهمن - کیهان)

و آقای قطب زاده گفت: «محکوم کردن کنفرانس اسلام آباد تحمیل حزب توده است».

ویس از آن قطب زاده گفت: «... ما مصلحت‌مان نیست روایطمان را با آمریکا قلع کنیم... چرا که متجاوز از سدهزار ایرانی در آمریکا داریم... (اسفند آزادگان) و امام گفت: رابطه با آمریکا می‌خواهیم چه کنیم؟

### فرار جاسوسان آمریکائی!

مقامات آمریکائی چندی بدهی برای آنکه سیاست «نه شرقی، نه غربی» آقای قطب زاده به خوبی همیشه پیش‌برود چند مأمور خود را توسط کاتادا از ایران فراری دادند. و آقای قطب زاده گفت: «نخست وزیر کاتادا بی‌ظنی داده که قصد توپین به ایران رانداشتم و معذرت می‌خواهم» (همانجا) و نخست‌وزیر کاتادا گفت: «صالح قطب زاده دروغ می‌گوید، من معذرت نمی‌خواستم، ما کاری را که باید کردیم» (خبرگزاریها) باز هم برای آنکه او لای دوز سیاست «نه شرقی، نه غربی» بسبب صادق قطب زاده نرود، اندکی بعد هیئت حسن نیت برای حل مسائل آمریکا و ایران تشکیل شد و اعضای هیئت با حسن نیت هیئت حسن نیت خواستار ملاقات با جاسوسهای آمریکائی شدند. در برابر این خواست مقاومت شد و بلاخره سخنان گوناگونی که آقای قطب زاده در اینجا و آنجا گفت «فراموشیایان شیراز... خواستار استعفیای بی‌بند و شرط قطب زاده بعلمت عدم صداقت و خدشه‌دار کردن امام از شورای انقلاب و وزارت خارجه... شده» (۱۹ اسفند - کیهان)

و آقای قطب زاده که مطمئن بود این «تحمیل حزب توده بوده است» گفت: «... از این تقاضاها قیلا هم خیلی کردند و آن‌ها ضدانقلاب هستند... (همانجا)

### حمله به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

در مقام مقابله با دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی که از تحویل دادن گروگان‌ها به وی بعلمت «دروغگوئی» خودداری کرده بودند، اظهار داشت «... من برای آن آقایانی که اینجا هستند اصالت و اهلیت قائل نیستم... (همانجا) و... بیشترین افشاگریا... بدون نظارت... مرجمی صلاحیتدار... بوده و تقابلا مبتذل است...» (۲۰ اسفند - روزنامه‌ها)

و امام گفت: این جوانان، ما را سرفراز کردند.

### دفاع از ضدانقلابیون فراری

صادق قطب زاده در آخرین روزهای سال ۵۸ به فکر دادن هدیه به ایرانی‌هایی افتاد که پس از انقلاب خود را «نفی بلنه» کرده بودند. همان‌هایی که تا انقلاب شد هر چه داشتند روی کولشان گذاشتند و از ایران در رفتند و حالا هم علیه انقلاب دگر آتیک و ملی ایران توطئه می‌چینند، آقای قطب زاده که مردم شیراز را ضدانقلاب خواند، در مورد آن ایرانیان چندان وطنی گفت: «... مصلحت کشور و ملت ایجاب میکند که عفو عمومی داده شود... امروزه هزاران نفر در خارج از کشور مژه تلخ بیگانه بودن در محیط خارج راحس می‌کنند که شاید من بتوانم که تلخی آنرا با تمام وجود حس کنم و آزادی آنها را از زندان «نفی بلنه» آرزو کنم...» (۲۳ اسفند - با ماداد)

### مصالحه با کمیسیون آمریکائی

والیه تقاضای عفو آن چندان ملطمان همراه با این نظر بود که: «ما همواره اعضای کمیسیون تحقیق بزودی به ایران بازگردند» (۲۳ اسفند - اطلاعات)

لازم به تکیه است که ایشان اعلام کردند: «... وظیفه این کمیسیون تحقیق درباره جنایات شاه مخلوع و سوء استفاده‌های شاه مخلوع و... دیدار از گروگانها بوده است... که این کمیسیون دوبرانه اول دوم راه انجام رسانید و موفق به انجام بر نامه سوم نشده...» (همانجا)

هر چند اندکی بعد ایشان فراموش کردند که قیلا چه گفته‌اند و اظهار داشتند: «... اعضای کمیسیون اصلا فرصت این را نیافتند که پیرایون جنایات شاه تحقیق کنند چون مدارکی را از سفارت مبنی بر دخالت آمریکا در اختیاری نداشتند...» (۱۲ فروردین - ۵۹ آزادگان)

خلاصه با وجود اینکه بالاخره معلوم نشد که آنها درباره

اسلام آباد بحث و گفتگو کرد... (۲۱ خرداد - کیهان) و در همان جا بود که صادق قطب زاده به این نتیجه رسید که: «... به محاکمه کشیدن گروگانها هیچگونه منفی راه تپه نخواهد رساند...» (۲۴ خرداد - جمهوری اسلامی)

او با هوانگ‌ها وزیر خارجه چین ملاقات و گفتگو کرد. «... منابع موقت خبرگزاری فرانسه گفتند که موضوع عمده این گفتگو پیرایون حمله شوروی به افغانستان بوده...» قطب زاده در گفتگوهای خود بارهبران سوسیالیست‌ها از جمله شوروی به افغانستان شدیداً انتقاد کرد... (۲۴ خرداد - اطلاعات)

سیاست «نه شرقی... قطب زاده چنان بی‌خوبی در اسلوروز کرد که ویلی برانت، که معرف حضوران است، رسماً اعلام کرد که قطب زاده برای حل مسئله گروگان‌ها به اسلو نیامده است. بلکه مسائل اساسی‌تری وجود دارد که ما را به مذاکره با ایشان ترغیب کرد و آن مسئله شناخت واقعیتها و موضع ایران در قبال تحولات جهان است...» (۲۴ خرداد - با ماداد)

### امریکا را محکوم نمی‌کنیم!

سپس آقای قطب زاده رئیس کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران شده هر چند با این تأکید که «... ما در این کنفرانس آمریکا را محکوم نمی‌کنیم...» این کنفرانس نوعی تبادل نظر است... (۱۳ خرداد - اطلاعات)

توجه دارید که در این حمله شدید به آمریکا، کمیته محل بحران افغانستان نیز، بطور تصادفی در همین اوان تشکیل شد. این اتفاق آقاها را آتچانان بهرچند آورد که این «تقارن را باقی نیک گرفت» (۱۴ خرداد - با ماداد)

اما سیاست «نه شرقی...» از این بعد کمن پیچیده شد. در حقیقت این تفسیر شوروی بود که همه جا گفته بود پاکستان پایگاههایی در اختیار باصلاح مبارزان افغانی گذاشته است. صادق قطب زاده نیز بر همین مبنای با شادیم «بناهای دیگر، اظهار داشت: «... باید اضافه کنم که پایگاههایی از مبارزان مسلمان افغانستان در کشور پاکستان وجود دارد...» (۱۰ خرداد - انقلاب اسلامی)

اما از آقاها انکار که: «... برخلاف تبلیغات شوروی پایگاه نظامی برای مبارزان افغانی در خاک خود تدارک ندیده‌ایم...» (۱۴ خرداد - با ماداد)

### خط برژینسکی!

«رئیس جمهور (کارت) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی ضمیمی خصوصاً توسط اتحاد جماهیر شوروی حتماً به تضییع مواضع سیاست خارجی رژیم خیمین مترجم خواهد شد» (افشای سند برژینسکی توسط بنی صدر - دوشنبه ۲ اردیبهشت)

بالاخره معلوم شد «مبارزان» افغانی در خاک پاکستان پایگاه دارند و اخیراً تا آنکه «مبارزان» به دستموسی سادات رفتند و روزنامه جمهوری اسلامی «پت» آنها را روی آب انداخت و معلوم شد که حق با آقای قطب زاده است!

### کنفرانس ژنو

کنفرانس ژنو با شرکت صادق قطب زاده، شطی، آقاها و «مبارزان» افغانی تشکیل شد. قطب زاده در اینجا برای نمایش سیاست «نه شرقی...» در مورد امکان خروج نیروهای شوروی از طریق مذاکرات گفت: «... بی‌چوجه راجل صلح چوپانه‌ای در این مورد وجود ندارد...» (۳۱ خرداد - کیهان) که این اظهار نظر تقریباً مصادف بود با گزارش رادیو کولن که «... در قطب زاده متقاعد شده است که... بایستی هر چه زودتر گروگانها را به آمریکا برگرداند و به تفاهم رسید...» (۲۷ خرداد - اطلاعات)

هنوز مصوبات این کنفرانس و تأکیدات صادق قطب زاده مبنی بر اینکه «... در هیچ مذاکره‌ای با حضور نمایندگان دولت افغانستان شوروی شرکت نمی‌کنیم...» (۳۱ خرداد - با ماداد) اعلام نشده بود که «نمایندگان مبارزان افغانی به مسرور به ملاقات سادات رفتند» (جمهوری اسلامی) این نمایندگان همان‌هایی بودند که پیش از این دیووش هیئت ایرانی، به کوشش صادق قطب زاده در کنفرانس اسلامی پاکستان شرکت کرده بودند.

### مخالفت با اخراج خبرنگاران آمریکائی!

لازم به توضیح است که در این فاصله صادق قطب زاده ضمن حمایت از خبرنگاران آمریکائی، تلویحا با اخراج آنان مخالفت کرد (۲۱ فروردین - جمهوری اسلامی)

«در برخی موارد خبرنگاران از آمریکا به ایران آمده‌اند که ویزای آنها بنام مستور آقای قطب زاده صادر شده و فعالیت خبری آنها در ایران غیر قانونی می‌باشد...» (۲۳ فروردین - کیهان)

### حمله به روزنامه‌های ایرانی!

الیه دفاع از روزنامه‌های آمریکائی و سوسیالیستی به معنای دفاع از همه روزنامه‌ها نبود و صادق قطب زاده حمله به روزنامه‌های گوناگون و صدوسیالیستی جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرد: «... به نظر من روزنامه جمهوری اسلامی حرف زیاد می‌زند و از لحاظ من... کوچکترین ارزشی ندارد... اما در مورد بیراهه رفتن ما درست بهین دلیل که روزنامه مردم و جمهوری اسلامی می‌نویسند که ما بیراهه می‌رویم احساس می‌کنم که راه درست و اصلی را می‌رویم...» (۱۴ خرداد - جمهوری اسلامی) و با «... روزنامه جمهوری اسلامی از فاسدترین روزنامه‌هاست که در تاریخ مطبوعات ایران چاپ شده و می‌شود...» (۲۷ خرداد - اطلاعات)

و صادق قطب زاده در همانجا تأکید کرد که «... مردم میدانند که نوکران واقعی آمریکا این‌ها هستند...»

بعد هم تویب به روزنامه «آزادگان» رسید. و سرانجام صدآ و سیمای جمهوری اسلامی نیز از این حلات مسون نماند و چندی پیش صادق قطب زاده تهدید کرد که «محدث این‌ها می‌رسد».

در این میان با ماداد مورد لطف ایشان قرار گرفت و در تهر پیریه آن سخنرانی کردند.

بقیه در صفحه ۷

### تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

## کارگران: تا متحد نباشیم به جانی نمیرسیم کارگران جنگلداری کورد کوی هر لحظه مرگ را در کنار خود دارند



جنگلهای سرسبز شمال، علاوه بر زیبایی، از ثروت‌های طبیعی کشورمان بشمار می‌روند. برای استفاده از این ثروت با باید با دقت عمل کرد. در دوران طاغوت امر بهره‌برداری از جنگلهای نورد چشمی‌ها و سرمایه‌داران بزرگ داده می‌شد. در نتیجه، در حالیکه مردم منطقه حق کوچکترین استفاده‌ای از جنگلهای را نداشتند، شرکت‌های بهره‌برداری به قطع بی‌رویه درختان مشغول بودند و ثروت‌های ملی را به تاراج می‌بردند.

یکی از مناطق جنگلی شمال ایران، منطقه کوردکوی از توابع شهرستان گرگان است. بهره‌برداری از جنگلهای این منطقه به مدت ده سال توسط دولت طاغوت به شرکت بهره‌برداری جنگل کوردکوی - بلوط سپرده شد و پس از پیروزی انقلاب، در دوران دولت موقت نیز قرارداد تجدید شد.

تعداد کارگران رسمی این شرکت ۴۰ نفر است، که کار قطع درختان و حمل آنها را انجام می‌دهند. علاوه بر این، تعداد زیادی کارگر غیررسمی و فصلی هم برای شرکت کار میکنند. کار کارگران غیررسمی و فصلی، حمل چوبها بر پشت و یا بوسیله قاطر و کامیون و نیز تهیه زغال چوب است.

از شرایط کار سخت‌ترین کارگران شرکت بسیار شنیده بودیم. ولی برای آشنایی نزدیک‌تر شرایط کار و گفتگو با کارگران، راهی جنگلهای کوردکوی شدیم. از جاده‌های شنی، که توسط شرکت در دل جنگل احداث شده بود، گذشتیم و به محل کار کارگران رسیدیم.

پس از مدتی به اولین گروه کارگران رسیدیم، که مشغول بار کردن کامیونها بودند. چوبهایی را که برای تهیه الوار و تراوس بکار نمی‌روند، جمع‌آوری می‌کنند و به کارخانه انتقال می‌دهند. تا از آن فیبر و نئوپان تهیه شود. کار طاقت‌فرسای حمل قطعه‌های بزرگ چوب بر پشت کارگران در طی مدت‌روزه بدون وقفه، ادامه دارد. با دو نفر از کارگران به گفتگو نشستیم:

از کارخانه نئوپان، که در چند کیلومتری محل قرار دارد، آمده‌اند. پیمانی هستند و ۱۲۰۰ تومان حقوق می‌گیرند. خواست آنها در درجه اول رسمی شدن است. یک کارگر ورزشکار می‌گفت:

«با روزی ۱۳-۱۰ ساعت کار طاقت‌فرسای حمل چوب، هیچگونه وقت و قدرتی برای باقی نمی‌ماند که به کشتی بپردازم.»

با آنها قرار دیگری گذاردیم و به راهان‌آباد ما دادیم. به محل دیگری رسیدیم. چند کامیون در نوبت ایستاده بودند تا ته‌های بسیار بزرگ درختان را به پایین حمل کنند. همراه با کامیونها چند کارگر کمک راننده و راننده در انتظار بودند. برای بارزدن کامیونها از جرثقیل‌های بسیار قدیمی استفاده می‌کنند. کارگران باید در زیر این جرثقیل‌های نامطمئن کار کنند و هر لحظه مرگ را در کنار داشته باشند.

یکی از کارگران بزمردی است که سنش بسیار بیشتر از عمر حقیقی‌اش بنظر می‌رسد. کار شدید و طاقت‌فرسا او را زودتر از موعد پیر کرده است. با ۸ سال سابقه کار، حقوقش ۱۵۰۰ تومان است، یعنی روزی فقط ۵۰ تومان. بابت حق اولاد، جیره غیرنقدی و غیره هم ۵۷۰ تومان می‌گیرد، که رویم می‌شود ۲۰۷۰ تومان. این حقوق‌ها را با قیمت‌های سرسام‌آور مواد غذایی و سایر بااحتیاج زندگی مقایسه کنید، تا بفهمید که این کارگران چگونه وحشیانه قرقیان، که کارش مراقبت از جنگل است، در استخدام رسمی شرکت است و با ۸ سال و نیم سابقه کار، ماهانه ۱۴۰۰ تومان حقوق و ۱۹۰ تومان مزایا می‌گیرد و در عوض روزی حداقل ۱۰ ساعت کار میکند.

از یکی از کمک راننده‌های شرکت در مورد حقوقش پرسیدیم. گفت:

## هشدار کانون مستقل کارکنان سازمان آب

تشدید پریشانی‌های موجود و فرصتی است برای انواع فرست‌طلبان و ضدانقلاب منتظر و فلیح اقتصادی کارکنان و در نهایت لطمه شدیدی به اقتصاد عمومی کشور.

شنیدیم و در روزنامه‌ها نیز خواندیم که کارکنان سازمان آب منطقه‌ای تهران از روز دوشنبه ۹ تیرماه در محل اداره مرکزی این سازمان اجتماع کردند. نیز می‌دانیم که خواسته‌های محض کارکنان، خواستی معقول و طبیعی است: پیاده شدن طرح طبقه‌بندی مشاغل، پایان دادن به جو زور و فضای ارعاب که مدیرعامل سازمان با انحلال شورا، و با ممنوعیت هر نوع تشکل صنفی علیرغم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برقرار کرده است، که در این زمینه کارکنان خواستار اخراج این شخص شده‌اند.

خواست دیگر کارکنان لغو طرحی است که بر مبنای آن حدود یک‌سوم از مجموع درآمد آنان نابود می‌شود و زندگی خانواده‌های آنان را از هم می‌پاشد. این طرح که لغو اضافه حقوق و کمک هزینه مسکن حدود هفت‌هزار نفر کارکنان سازمان آب را در بر می‌گیرد، فشار کم‌رشدگی است بر کرده زرخورده زحمت‌کشانی که آب مردم شهر ما را تأمین می‌کنند و هم‌اکنون نیز با وجود اعتراض شدیدی که دارند، اجازه نمی‌دهند که یک قطره از آب مصرفی ما کم شود.

ما در این رابطه پیش از این در نامه «مردم» نوشته‌ایم و تکرار کرده‌ایم که مبنای تصمیم‌ها باید رفع احتیاج از مردم و تثبیت گرایش‌های انقلابی و خلقی در موسسات و نهادهای باشد. حال آن که چنین نیست و گویا دست‌های بعد در کار است تا نهادهای حساس کشور از جمله برق منطقه‌ای و نفت و همین سازمان آب را به تشنج بکشاند و بپایه لازم را بخش‌نامه‌های مسئولین امر فراهم کرده است.

و در این زمینه است که نه تنها ما، بلکه کانون صنفی کارکنان سازمان آب نیز هشدار داده است: انقلاب ما، انقلاب کانتین نشینان نیست. کاهش یک‌سوم درآمد حقوق‌گیران زحمتکش ما با کدام منطق قابل توجیه است؛ مگر مجموعه این حقوق ماهانه چقدر است؟

از سوی دیگر برخورد مدیرعامل سازمان آب، خود یکی از عوامل مؤثر تشدید تشنج در این موسسه است. مدیر عامل صریحاً اعلام کرده است: «من رئیس‌جمهور می‌شمام نه کسی دیگر...» وی گفته است: «من شورا و سندیکاسم سرم نمی‌شود. در جمهوری اسلامی از این خبرها نیست!» در این زمینه آیا باز هم جای تردید هست؟

ضدانقلاب می‌تواند از تصمیمات شتابزده مقامات مسئول نهایت سود را ببرد. ولی انقلاب چه سود می‌برد؟ پس تقدیر بنظر می‌رسد در ارتباط با ساله موجود نخستین گام رفع نگرانی کارکنان از جهت کاهش دستمزد آنان است. و این کار را جز با تأمین حقوق طبیعی آنان نمی‌توان عملی کرد. ما بنوبه خود در گذشته در ارتباط با این بخش‌نامه‌ها سخن گفته‌ایم و در آینده نیز خواهیم گفت.

سازمان آب نیز هشدار داده است: انقلاب ما، انقلاب کانتین نشینان نیست. کاهش یک‌سوم درآمد حقوق‌گیران زحمتکش ما با کدام منطق قابل توجیه است؛ مگر مجموعه این حقوق ماهانه چقدر است؟

از سوی دیگر برخورد مدیرعامل سازمان آب، خود یکی از عوامل مؤثر تشدید تشنج در این موسسه است. مدیر عامل صریحاً اعلام کرده است: «من رئیس‌جمهور می‌شمام نه کسی دیگر...» وی گفته است: «من شورا و سندیکاسم سرم نمی‌شود. در جمهوری اسلامی از این خبرها نیست!» در این زمینه آیا باز هم جای تردید هست؟

ضدانقلاب می‌تواند از تصمیمات شتابزده مقامات مسئول نهایت سود را ببرد. ولی انقلاب چه سود می‌برد؟ پس تقدیر بنظر می‌رسد در ارتباط با ساله موجود نخستین گام رفع نگرانی کارکنان از جهت کاهش دستمزد آنان است. و این کار را جز با تأمین حقوق طبیعی آنان نمی‌توان عملی کرد. ما بنوبه خود در گذشته در ارتباط با این بخش‌نامه‌ها سخن گفته‌ایم و در آینده نیز خواهیم گفت.

ضدانقلاب می‌تواند از تصمیمات شتابزده مقامات مسئول نهایت سود را ببرد. ولی انقلاب چه سود می‌برد؟ پس تقدیر بنظر می‌رسد در ارتباط با ساله موجود نخستین گام رفع نگرانی کارکنان از جهت کاهش دستمزد آنان است. و این کار را جز با تأمین حقوق طبیعی آنان نمی‌توان عملی کرد. ما بنوبه خود در گذشته در ارتباط با این بخش‌نامه‌ها سخن گفته‌ایم و در آینده نیز خواهیم گفت.

ضدانقلاب می‌تواند از تصمیمات شتابزده مقامات مسئول نهایت سود را ببرد. ولی انقلاب چه سود می‌برد؟ پس تقدیر بنظر می‌رسد در ارتباط با ساله موجود نخستین گام رفع نگرانی کارکنان از جهت کاهش دستمزد آنان است. و این کار را جز با تأمین حقوق طبیعی آنان نمی‌توان عملی کرد. ما بنوبه خود در گذشته در ارتباط با این بخش‌نامه‌ها سخن گفته‌ایم و در آینده نیز خواهیم گفت.

ضدانقلاب می‌تواند از تصمیمات شتابزده مقامات مسئول نهایت سود را ببرد. ولی انقلاب چه سود می‌برد؟ پس تقدیر بنظر می‌رسد در ارتباط با ساله موجود نخستین گام رفع نگرانی کارکنان از جهت کاهش دستمزد آنان است. و این کار را جز با تأمین حقوق طبیعی آنان نمی‌توان عملی کرد. ما بنوبه خود در گذشته در ارتباط با این بخش‌نامه‌ها سخن گفته‌ایم و در آینده نیز خواهیم گفت.

در نامه‌ای که در تاریخ ۵۵۹۰۰۰ از طرف کسانون مستقل کارکنان سازمان آب تهران خطاب به ریاست جمهوری تدوین شده و رونوشت آن به وزارت نیرو نیز ارسال شده است نسبت به مسایل موجود در سازمان آب، برخورد شتابزده و یک‌طرفه مقامات مسئول، تشدید ناراضی‌ها و تقصیر حقوق حقه کارکنان این سازمان، هشدار داده شده است. در این نامه می‌خوانیم:

کانون مستقل کارکنان سازمان آب منطقه‌ای تهران به نمایندگی از طرف اعضاء خود بنا به مسئولیتی که برای دفاع از حقوق کارکنان این سازمان قائل است نسبت به کسر دریاقتی کارکنان که بدون مطالعه شاخص‌های تورم - جو سیاسی - امکان تحمل غریبه‌پذیری اقتصادی خانواده‌ها اعمال شده شدیداً متعرض بوده، و میخواهد که با اقدامات قاطعانه و سریع و مراجعه به آمار اقتصادی که در اختیار همگان است، هرچه زودتر این عمل متوقف و خسارات ناشی از آن جبران گردد.

در میستم پوشالی گذشته حقوق حقه ما بنابندلائل زنجیرهای استثمار و ایجاد جو فشار و اعمال قدرت‌های مومسی موجب قطعه-قطعه کردن دریاقتی مستمر پیمانوی مختلف اضافه کار - یاداش - حق مسکن و غیره بشکل ترمیم حقوق پرداخت می‌گردید و عدم توازن و تعادل حقوق کارکنان دولت منجمله سازمان آب همیشه چون چماقی برای ایجاد چندگانگی‌ها و سیستم فشارحاکمیت اداری سالها بر ما حاکم بوده است. با توجه به این مطلب که مجموع دریاقتی ما گوناگون ما با سیم و تلاش و قناعت فراوان تکناوی زندگی ما را نمیکرده است، و اکنون با توجه به رشد سرسام‌آور تورم که به مرز خطرناکی رسیده و زندگی خانوادگی ما را فلج کرده است، در چنین وضعی، کسر مبالغی حدود ۱۵۰۰۰-۳۵۰۰۰ ریال که معادل ۴۰ تا ۴۰ درصد بودجه هر خانواده را، تشکیل میدهد به چه می‌توان تعبیر کرد؟

همه آمار تورم را میدانند، همه مردم گرانی و احتکار را با پوست و گوشت‌خود احساس میکنند با چنین شناختی این کسر حقوق و دستمزد وحشتناک و غیرقابل تحمل و جبران را چگونه تعبیر می‌توان کرد؟

از طرفی باید پذیرفت فرست‌طلبان حرفه‌ای، امپریالیسم و عوامل داخلی آن، از این ناراضی‌ها کمال سوءاستفاده را خواهند کرد. درحالیکه هنوز بودجه‌ها صرف پرداخت‌های کلان، برای سبندسین مشاور - حقوق عمال وابسته به‌زیم گذشته و مخارج زائد تشریفاتی می‌شود. و از طرفی هنوز هیچ اقدامی جدی در مورد مبارزه با احتکار، گرانی و تعدیل هزینه‌های بنیادی مثل مسکن، مواد غذایی، پوشاک صورت نگرفته است. با توجه به نعل صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد دولتی‌شدن معاملات بازرگانی خارجی هنوز سرمایه‌دازان ریز و درشت درین آشفته‌بازار موجود، خون مردم ما را که می‌باید وثیقه تمام انقلاب شود، چون زالوها می‌کشند. هنگامی که دریاقتی کارکنان باید بر مبنای جدول تورم محاسبه و پرداخت شود، این کسر دریاقتی قابل توجیه نیست.

این حرکت اقتصادی در جامعه موجب بروز عواقبی خواهد شد که غیرقابل جبران است. درخانه‌ها باز بنا به مسئولیتی که در مقابل حقوق کارکنان و حفظ انقلاب و هشدار به دولت و مسئولین به‌عهده داریم، تکرار میکنیم که کسر درآمد کارکنان سازمان آب، اقدامی است در جهت تضعیف بنیه مالی زحمتکشان و در جهت

این حرکت اقتصادی در جامعه موجب بروز عواقبی خواهد شد که غیرقابل جبران است. درخانه‌ها باز بنا به مسئولیتی که در مقابل حقوق کارکنان و حفظ انقلاب و هشدار به دولت و مسئولین به‌عهده داریم، تکرار میکنیم که کسر درآمد کارکنان سازمان آب، اقدامی است در جهت تضعیف بنیه مالی زحمتکشان و در جهت

### در سیلوی تهران: محیط کار بهداشتی نیست

بر اثر شکایات مکرر کارکنان کارخانجات سیلوی تهران مبنی بر احقاق حقوق خود در زمینه‌های تسریع طبقات شغلی، سختی و خطرناک بودن محیط کار که در این زمینه کارکنان سازمان آب، در روز ۲۴/۳/۵۹ نماینده‌ای از جانب دفتر ریاست جمهوری به این کارخانجات اعزام شد. نماینده اعزامی که از نزدیک محیط طاقت‌فرسای کارکنان را مشاهده کرد تصدیق کرد که در چنین محیطی، حتی برای چند دقیقه هم، بستنی میشود طاقت آورد.

در این کارخانجات هستند کسانی که حدود ۴۰ سال در چنین محیط طاقت‌فرسای کار کرده‌اند و حتی چند اعمور عدل چرخ‌ریه و دیگر اعضاء بدن، قرار گرفته‌اند. همچنین اغلب کارکنان از بیماری‌های

کشاوری تعیین نشده است، به حقوق‌ها ماهانه تمامی کارگران ۳۰۰ تومان اضافه شود. این کارگر بر روی مسئله اتحاد و اتفاق تأکید بسیار داشت و بحق می‌گفت: «ما با کارگران متحد نشاییم نخواهیم توانست حق خودمان را بدست آوریم.» او علت اینکه کارگران نمی‌توانند خواست‌هایشان را با اتحاد بدست آورند، عدم آگاهی کافی کارگران میدانند. درد دل کارگران بسیار زیاد است. کارگری می‌پرسید:

«مگر ما کارگر نیستیم؟ مگر این چوب‌هایی که تهیه میکنیم، ببرد صنعت نسبی خود را پس چرا ما را کارگر کشاوری محسوب میدانند؟»

و در مورد قانون کار گفت: «قانون کار هنوز قانون کار زمان طاغوت است. باید با نظر و شرکت کارگران قانون کاری مناسب با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تهیه و به‌مورد اجرا گذاشته شود.» واقعاً در جواب این کارگر که چنین بیان کرد: «چرا اینکه از مسئولین خواسته شود که به خواست‌های این کارگران توجه کنند، تا آنان را همچنان پشتیبان انقلاب

## تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است



ما پنجانیان ۸۰۰ نفر از زارعین قریه چغابگی دارای ۷۰۰ هکتار زمین هستیم و زمینهای اینجانبان را در دوره زور و فساد از ما گرفته اند. و حالیه بدستور رهبری عالیقدر امام خمینی منطقیه که بیچارگانی از دوره ظلم فساد حق آنها را بسزور برده اند. باید به حق خود برسند. و حالیه یک نفر قودال و سرمایه دار از خدا بیخبر زمینهای ما را برده است و ما هم جز آن داورستان، دیگر پناهی نداریم. و به آن داور

**دهقانان مینویسند:**

**پایگاه ظلم و ستم را در روستاها ریشه کن کنید!**

مسئله عمده قاطبه دهقانان را حل کنند. برای کمک به دهقانان و حل مسئله ارضی درنگ جایز نیست. باید با اجرای قانون اصلاحات ارضی ریشه ظلم و فساد را از روستاها برکنند. حضور مالکان بزرگ و قودالها در اقتصاد روستایی به هیچ شکل در جهت و نفع انقلاب ما نیست. با خلع ید از مالکان بزرگ و قودالها، آزادی واقعی را در روستا تحقق بخشید.

است. به دامستان دادگاه انقلاب استان کرمانشاه نوشته شده و نسخه ای از آن نیز برای نامه مردم ارسال گردیده است. این شکوایتی مانند صدها نامه دادخواهی دیگر، حاکی از وجود ظلم و ستم قودالی و زمینداران بزرگ در روستاهای کشور است. مقامات مسئول باید بیدارند این

را پایمال نماید. محض رضای خدا و بخاطر پیغمبر اسلام حضرت محمد صلوات الله و السلام، که حضرت عالی اولاد پاک پیغمبر هستید، از حق ما بیچاره ها رسیدگی کامل بفرمائید و ما را از شر ابراهیم جلیل پناه نجات دهید.

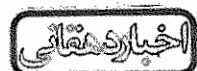
محترم دادگاه انقلاب شکایت کرده ایم. و حالیه مالک مذکور بنام ابراهیم جلیل پناه، چون از شکایت ما خبردار شده، به همدستان خود دستور داد که در داورسا ما را کتک کاری نمایند و از بیرون هم چندین نفر راهزن دارد که شبها ما را ناراحت میکنند و سخنسازی میکنند که حق ما بیچاره ها

از سخنان شخصیتها بیرومن مسائل دهقانی

**آیت الله العظمی منتظری: در اسلام مسئله ای بنام خان وجود ندارد**

یکی از چیزهایی که در ایران دوباره مطرح می شود، خان و خان خانی است. من به مقامات دولتی اخطار می کنم که در اسلام مسئله ای بنام خان وجود ندارد. من به مقامات دولتی اخطار می کنم که چیزی که برخلاف اسلام است، مانی توانیم با آن سارگار باشیم. در اسلام مسئله ای به نام خان خانی وجود ندارد. این گفته می شود یک نفر قدرت ابدی دارد، تا سوار دور خودش جمع کرده، باید با آن ساخت، این چیزها در اسلام نیست انتصاب به خان و فلان نبیله و به فلان آقا هیچ گاه ملاک شخصیت نمی شود.

(جمهوری اسلامی ایران)



**قانون واگذاری زمین در روستای انگه را آغاز کنید**

روستای انگه در بیست و دو کیلومتری شهرستان ارومیه واقع است و نود خانوار را با چهارصد و شصت نفر دربرمی گیرد. اقلیت روستائیان در فقر بسر می برند و درآمد آنان جهت گذران زندگی کفایت نمی کند. در این روستا زمین بطور عمده در مالکیت ارباب قرار دارد. بدین لحاظ روستائیان جهت خلع ید از ارباب به مبارزه پرداخته و تاکنون سه بار به مقامات مسئول مراجعه کرده اند. در این مبارزه بحق نهادهای برآمده از دل انقلاب چون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران یار و یاور روستائیان بوده اند. هم اکنون نیز با وجود اینکه مقامات مسئول پاسخ داده اند که در انتظار دستور مقامات مافوق هستند. این دو نهاد انقلابی آمادگی خود را برای اجرای اصلاحات ارضی مسویبه شورای انقلاب اعلام کرده اند. این روستا دارای یک دوستانه است که کفاف رفع احتیاجات درمانی اهالی را نمی کند. روستائیان انگه از آب اولیه محرومند و با کمبود شدید آب روبرو هستند. انگه فاقد حمام است. خواسته های روستائیان از مقامات مسئول عبارت است از:

- ۱- اهتمام بزرگ مالکی از طریق مصادره سریع و بدون وقفه زمین و واگذاری عادلانه آن به روستائیان.
- ۲- لغو کلیه بدهیهای مربوط به رژیم گذشته.
- ۳- تأمین امکانات رفاهی از قبیل برق، بهداشت، آب لوله کشی و غیره.

**زمین را به دهقانان زحمتکش بدهید**

ده معصوم آباد در حوالی مرودشت قرار دارد. بزرگ مالک این روستا حدود ۲۱۰ هکتار زمین را به مدت ۱۶ سال به زارعین اجاره داده بود که تنها سیزده سال از مدت اجاره آن می گذرد. مالک بزرگ این روستا مقادیری از این زمینها را بطور مکانیزه کشت کرده است. ولی زارعین که تعداد آنها ۵۰ خانوار می شود، مانع زمینها را بطور مکانیزه توسط مالک بزرگ شده اند. آنها می خواهند که بر روی زمینهای اجاره شده بازم کار کنند و سهم خود را در تولید ملی ادان کنند. در این زمینه دیده میشود که مالکین بزرگ به هیچ وجه حاضر نیستند حتی به فرادادهایی احترام

**بازتاب مسائل دهقانی در مطبوعات بزرگروانیدن زمین به قودالها!**

بیش از یکسال از پیروزی انقلاب خونبار خلق بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم می گذرد و بلا در بندگی توده های محروم که ایفاننده نقش اصلی و حیاتی در این قیام بودند و اتکای رهبری نیز بر آنان بود، با انگیزه های مشخص دست به این حرکت زدند که این انگیزه ها ناقص و وابستگی به امپریالیسم و ناپودی پایگاههای داخلی آن، سرمایه داری وابسته و فئودالیسم بود. اما پس از پیروزی، دولت موقت افرادی را بر مصادر امور روستایی حساس از جمله وزارت کشاورزی بکار گماشت که بدلیل ماهیت لیبرالی و پیش اخراجی شان از مکتب انتظار کوچکترین حرکتی در جهت تحقق خواسته های توده بپوشه دو قشر زحمتکش آن یعنی کارگر و دهقان از آنان نمی رفت و بدین ترتیب خواسته های را که دهقانان محروم

**سمینار آموزش دامپزشکی در تهران برگزار گردید**



چوپان زاده - دامدار ایرانی

- \* احیای دامداری سنتی
- \* ملی کردن واحدهای بزرگ تولید سرمایه داری در دامپروری
- \* تربیت کادرهای فنی ضرورت حل معضلات دامداری است

برشمرده راه برون رفت از معضل فعلی را در ترکیب از احیای دامداری سنتی و کمک به اعتدالی آن و سازمان چند جنبه کمک های دولت به دامداران و دامپروران و هم چنین ملی کردن دامداری صنعتی بزرگ معرفی کرد. دکتر مظهری در سخنان خود اظهار کرد که دامداری صنعتی ۸۰ درصد علوفه و مواد غذایی وارده و وام بانکی را بخود اختصاص میدهد.

سیس چندتن از متخصصین و صاحب نظران امور دامداری سخن گفتند و به تقصیرات چندین در امور دامداری اشاره کردند و طرحهایی را بعنوان راه برون رفت از معضلات فعلی در این امر مهم اقتصادی ارائه کردند. بدین ترتیب در این سمینار پارهای از مسائل و مشکلات دامداری توسط سخنرانان مورد بررسی قرار گرفت، سیاست دولت به یوته نقد گذارده شد و پیشنهادهایی عرضه

در کنار اقدامات ضروری برای احیای دامداری و گسترش آن باید گامهای مشخص را نیز تربیت کرد تا از این طریق بتوان هرچه بیشتر با کمک تخصصی تکنیک پیشرفته در تولید دام را بکار گرفت.

**دامداری ما راه درازی در پیش دارد**

شد. آنچه اهمیت ویژه ای به این سمینار و سمینارهای نظیر آن می بخشد بحث و تبادل نظر برای دستیابی به راه برون رفت از مشکلات موجود در روح خدمت به انقلاب و تحکیم استقلال اقتصادی کشور است. همه میدانند که این رشته تولیدی در دوران رژیم شاه مخلوع از گزند سیاست ضد ملی و نیز اعمال نفوذ سرمایه های امپریالیستی در شئون اقتصادی کشور و از جمله در تولید دام معصوم نماند و به عرصه تاخت و تاز سرمایه داران غارتگر بدل شد. ایجاد واحدهای بزرگ دامداری که به طریق سرمایه داری اداره میشد، خود سببهای بود برای تحکیم پندهای وابستگی به اقتصاد امپریالیسم و ترویج سرمایه داری وابسته در ایران. رشد روزافزون دامداری صنعتی ناسالم وابسته و بصورت غده ای خارج از نسج طبیعی اقتصادی کشور، به شکست روزافزون دامداری سنتی منتهی میگردد بطوریکه

سنتی و رسیدن به حد خود کفائی مملکت و اختصاص دادن بودجه به حد خود دامداریهای سنتی و رسیدن به حد خود کفائی مملکت و اختصاص دادن بودجه به حد خود این نوع دامداری است. امید است با برنامه ریزی اصولی تقصیرات و کمبودها و نیز خسارات ناشی از برنامه ریزیهای دوره چهارم و پنجم عمرانی رژیم گذشته جبران شود. آقای دکتر اسعدی رئیس سازمان دام و طیور در مسائل اجرایی که کمبود دامپرورش و مسائل کار اشاره کرد و عدم تحرک لازم و ابهام در سیاست وزارت کشاورزی در زمینه اجرایی را از عوامل مشکلات موجود در کار سازمان معرفی کرد. آقای دکتر مظهری ضمن اشاره به سیاست گذشته رژیم شاه مخلوع در دامداری، سه نوع دامداری موجود یعنی دامداری سنتی، نوع دامداری صنعتی و دامداری صنعتی را

موجب با کشاورزان حکم صادر می کند که زمینها باید به مالکان آنها یعنی فئودالهای زالوسفت برسمیت شناخته نشود و مردود اعلام گردید و قرار شد که زمینها همچنان بصورت تعاونی تحت اداره کشاورزان

شکایت پرند که کشاورزان زمین ما را گرفته اند و با داشتن صدها راس گوسفند و کارخانه شالی کوبی و مقادیر زیادی زمین و مربع ادما می گردند که ما هیچ چیز نداریم و رئیس دادگاه نیز بدون تحقیق و بررسی

هر که در این لباس است، زیر سؤال رود. مشخص است که شد انقلاب نوک تیز این حمله را عمدتا متوجه روحانیت مبارز خواهد کرد. به امید ناپودی توطئه قودالها و مرتجعین. (امت ۱۲)

**دهقانان کم زمین و بی زمین! با تشکیل کمیته های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود**

حقایق درباره افغانستان (اسناد، واقعیات و شواهد)

(۱۲)

اسرار قتل رئیس جمهور قانونی افغانستان

چگونه امین جلا و عامل پنهانی امپریالیسم به حکومت افغانستان رسید؟

۱۶ دی ماه سال ۱۳۵۸ بزرگ کارمل رهبر جمهوری دموکراتیک افغانستان طی سخنانی که از رادیو کابل خطاب به مردم افغانستان ایراد شد، چنین گفت: سرانجام پس از نرسیدن وصال عظیم روز آزادی و رستاخیز همه خلقهای برادر در افغانستان فرارسید. اکنون دیگر ما شین شکنجه گر امین و دستیاران غاصبی که دهها هزار تن از هموطنان ما، مردان و مادران ماه برادران و خواهران ماه سران و دختران ماه، کودکان و سالخوردهگان ماه، و حیثیات بقتل رساندند، درم شکسته است و این ماشین خون آشام تا آخرین مهره های خویشی درم شکسته میشود...

دژ خودکامی دژخیم و اطرافیان، این سگهای تکبیلان سرداران نادر شاه، ظاهر شاه، دود شاه، جیره خواران امپریالیسم و پیران لشکر و از این پس دیگر سگک و سنگک چنین دژهایی باقی نخواهد ماند. آخرین بازمانده، کاکهای ستم ملی و اجتماعی در همین عزیز ما فرو می باشد. حال این ستموار پیش می آید که حقیقت...

حقیقتا امین یک ماجراجوی سیاسی، یک توطئه گر مابین و پنهانکار بود. امین عنصر حیل گر بلافاصله پس از بنیادگذاری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در سال ۱۹۷۵ بدست فرزند ارجمند خلق افغانستان، نور محمد تره کی انجام گرفت، توانست خود را در صفوف این حزب جا کند. وحدت صفوف حزب دیرزمانی میسر نگردید. حزب به دو جناح تقسیم شده بود که هر یک مستقل عمل میکرد.

پس از قریب ۱۰ سال افتراق، در تیر- ماه سال ۱۳۵۶ کنفرانس وحدت تشکیل شد و این کنفرانس یک کمیته مرکزی ۳۰ نفری انتخاب کرد. نور محمد تره کی دبیر کمیته مرکزی و بزرگ کارمل دبیر کمیته مرکزی و عضو هیئت سیاسی حزب انتخاب شدند.

این دوران دوران تدارک جدانه زمینه انقلاب ضد فئودالی و دموکراتیک ملی در افغانستان بود که در تیر (اردیبهشت) ۱۳۵۷ به تحقق پیوست. اما دیری نگذشت که حوادث شومی آغاز گردید.

نوراحمد نوره، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وضع آن زمان را چنین توصیف کرده است: "وحدت حزب به همستی و عملا به فروپاشی گرائید. نقش عمده را در این ویرانگری حقیقتا امین به عهده گرفت. او رفته رفته توانست اهرم های مهم دستگاه دولتی جمهوری جوان دموکراتیک را تحت نظارت خود قرار دهد و اعضای پاکدامن و وفادار به انقلاب را در حزب دموکراتیک خلق افغانستان یکی پس از دیگری از میان بردارد و برکنار کند. بزرگ کارمل و آناهیتا رامینزاد و بسیاری دیگر از آن جمله بودند.

کارهای حرفه ای حزب زیر ضربه قرار گرفتند. برخی مجبور به مهاجرت، گروهی مخفی و جسی بازداشت شدند و بسیاری از آنان در زندانهای مخوف امین به شهادت رسیدند. طی کمتر از ده ماه، پیش از تغییر حکومت، پیش از دوازده تن از اعضای حزب را دستگیر کردند که نزدیک به ۵۰۰ نفر از آنان تیرباران شدند.

اما قربانیان دستگاه امین تنها به اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان منحصر نمی شد. امین هر کسی را که سد راه تحقق نقشه های جنایتکارانه اش بودند، بی رحمانه از سر راه بر میداشت. گسترده ترین قتل های جامعه یعنی نیروهای که تکیه گاه واقعی انقلاب افغانستان بودند، آماج بیهادگرایی عنان کسبخته او قرار گرفتند.

حتی در دورانی هم که امین هنوز رسماً در راس دولت قرار نداشت، بسیاری از بازداشتها و اعدامها بدستور شخصی او انجام می گرفت. گروههای بزرگی از روشنفکران و معلمان که در خدمت توده های بسواد خلق افغانستان بودند، قربانی بیهاد امین شدند. بسیاری از فرماندهان ارتش نیز که در انقلاب آوریل شرکت فعال داشتند، از جمله ژنرال عبدالقدیر و سمدان روحانی، دقتان و کارگر بدست امین نابود شدند. قضایات خودسرانه امین و همکارانش علیه توده های خلق، فرار بسیاری از آنان را به خارج کشور موجب گردید و همین فراریان طعمه های تبلیغاتی مناسبی را برای عوامل ضد انقلاب کشورهای غربی و چین و پاکستان فراهم ساختند.

وطن کار عضو هیئت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان روز ۱۶ ژانویه ۱۹۸۰ در کابل گفت: مدارک تازه ای بدست می آید که نشان می دهد امین مزدور امپریالیسم آمریکا و عوامل سازمان سیا در آمریکا بوده است. مجموع اعمال و اقدامات این فرد در جهت براندازی جنبش انقلابی افغانستان، بر اعتبار ساختن انقلاب توره، ایجاد جو ترور و ترس و وحشت در کشور و بر سرهم زدن ارکان حاکمیت خلق، سیر می کرد.

اظهارات بسیاری از افغانهایی که طی سالهای ۱۹۶۴-۱۹۶۷ در ایالات متحده آمریکا تحصیل میکردند، مؤید آنست که امین در سالهای اقامت خود در آمریکا با امریکائیان هائی که به عنوان عامل و همکاران "سیا" مشهور بودند، در ارتباط بود. امین در آن دوران اکنون دقیقاً اطلاع پیدا کرده ایم که چه کسی در سازمان سیا امین را به خدمت گرفته بود و عملیات جاسوسی او را در حزب رهبری میکرد. ما می توانیم دقیقاً بگوییم: امین در کجا و با کدام یک از جاسوسان سیا در سالهای ۱۹۷۸-۱۹۷۳ ملاقات کرده و رهنمودهای لازم برای نابودی حزب ما دریافت داشته است.

روشن است که امین پس از انقلاب توره، نیز همکاری خود را با امپریالیسم آمریکا ادامه میداد.

در سال ۱۹۷۸ پس از بازگشت از سفر آمریکا که به عنوان شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد صورت گرفته بود، امین به سرکوب قطعی اعضاء پاکدامن حزب پرداخت و برقراری سلطه فردی خود بر جمهوری دموکراتیک افغانستان دست به کار شد.

اودر شهریور ۱۳۵۸ به تدارک زمینه برای نزدیکی آشکار سیاسی با آمریکا پرداخت و بدین منظور دیدارهای محرمانه با مأموران آمریکائی ترتیب داد. او بیگانه های خود را روانه آمریکا میکرد و پیام های شفاهی برای کارتر رئیس جمهور آمریکا می فرستاد. کاردار کنونی سفارت آمریکا در جمهوری دموکراتیک افغانستان که در پانزدهم اکتبر ۱۹۷۹ با امین گفتگو داشته است، از روابط پیش گفته بخوبی آگاه است.

اسرار قتل تره کی: رئیس جمهوری قانونی افغانستان را چه کسی قتل رساند؟

قتل نورمحمد تره کی، روزیلا نه ترین جنایتی است که بدست امین انجام شد. تره کی در اواخر ماه شهریور به ترتیب کابلا عیسی ناپدید شد. رسماً اعلام کردند که در سخت بیمار است و بناچار از همه مقامهای خود کنار رفته است. حقیقتا امین در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود بدین هیچگونه ابهامی به روزنامه نگاران خارجی قهقهه کرد که امین تره کی روپایان است و افزود که من البته طیب نیستم تا لحظه مرگ او را پیشگوئی کنم. نه در افغانستان و نه در هیچ کشور دیگر جهان، هیچ کسی، خیر مرگ ناپسند تره کی را، که گفته شد در آن بیماری سخت بوده است، باور نکرد.

درحقیقت، نورمحمد تره کی بنا بدستور شخص امین و بدست افسران گارد او کشته شد.

سرگرد جاننادر رئیس سابق این گارد، چنین گواهی میدهد: آنچه درباره توطئه امین و قتل تره کی میتوانم بگویم از این قرار است:

است: تره کی چند روز پس از مراجعت از کنفرانس کشورهای غیرمتحد که در شهر هانان تشکیل شده بود، مرا که در این سفر همراهش بودم، بدینتر کار خود دعوت کرد و گفت: جاننادر، تو فرمانده گارد رئیس جمهوری و مسئول حفظ جان من هستی. هنگام اقامت من در هاوانا، میان اعضای رهبری ما اختلاف نظر پیدا شده است. از اینرو کابلا هوشیار باش و به فرماندهان واحدها تاکید کن که بدون فرمان ویژه کسی حق خروج از محل کانت ریاست جمهوری را ندارند.

جاننادر افزود که من دستور دادم که تکبیلان مراقبت خود را تشدید کنند. تره کی سپس یعقوب رئیس ستاد کل ارتش را احضار کرد و او را نیز به تشدید هشیاری واحدها موظف ساخت. ولی یعقوب درخفا از نزدیکان امین بود.

بامداد روز بعد، امین مرا بنزد خود خواند و باخوشوت پرسید:

راجع به پی سخبت می کردید؟ من گفتم تره کی از من خواسته است حفاظت کنیز رئیس جمهوری را تقویت کنیم. امین با کنجکاری میخواست بداند که آیا تره کی دربار او هم چیزی گفته است یا نه. و اصولاً خیلی نگران و ناراحت بنظر میرسید.

روز ۲۳ شهریور (من در این وقت خارج از کانت بودم) پشت در اتاق کاخ تره کی که توسط آجودان شخصی او حفاظت میشد، تیراندازی آغاز گردید. آژیر خطر داده شد. ولی رابطه تلفنی پاکانت قطع بود. دستهای گمانه و نیز واحدهای ارتش وفادار به امین، به کانت شتافتند و پس از محاصره گارد رئیس جمهور آنها را خلع سلاح کردند. نزدیکهای صبح طرفداران تره کی کشته و یا دستگیر شده بودند. فرمانده ستاد کل ارتش بن دستور داد که فقط فرمانهای او را اجرا کنیم. در این موقع امین عملاً در راس حکومت قرار داشت. تره کی را در دفتر کارش بازداشت و زندانی کردند. در روز با همکاری نداشتند. سپس امین به روزی افسر گارد رئیس جمهوری- دستور داد، خانواده تره کی را بجای دیگری منتقل کنند. کسی بدون اجازه امین حق دیدار تره کی را نداشت.

در جریان بازجویی مضمون دیگری بنام خودد گفت: من تازه به ریاست کمیته امنیت ملی تعیین شده بودم. روز ۱۶ سپتامبر خدمت خود را در این مقام آغاز کردم. عصر همان روز جاننادر فرمانده گارد مرا احضار کرد و گفت: به فرمان حزب و شورای انقلاب تویا بدینور محمد تره کی را بکش. من پرسیدم چگونه چنین کاری میشود کرد. جاننادر پاسخ داد که همه چیز از جمله قیرو کفن او آماده است و افزود که در انجام این قتل روزی واقیل هم شرکت خواهد کرد. آنگاه بجای من افسر دیگری را کنیکه گذاشتند. جاننادر در دفتر خود باز دیگر ماموریتی را که من باید انجام میدادم تکرار کرد و گفت تصمیم به نابودی تره کی گرفته شده است.

روزی رسماً اظهار داشت که ما حق نداریم فرمان حزب را اجرا نکنیم. پس از آن ما از محل خارج شدیم و با یک دلتندرو به کوته باغچه (منزل رئیس شورای انقلابی در رفسر سابق شاهی واقع در مرکز کابل) رفتیم. در آنجا ما شین را جلوی در ورودی پارک کردیم و خودمان را به طبقه دوم ساختمان که تره کی در آنجا اقامت داشت، رساندیم. نخست روزی وارد اتاق تره کی شد و ما در کزیدور منتظر ماندیم. خلود دریا سبز بازیرس که روزی کبست؟ گفت: روزی در آنستگاه معاون کبیسر سیاسی گارد بود واقیل رئیس بخش اطلاعات گارد بود که سپس رئیس کمیته امنیت ملی شد. هر دو آنها ستوان یکم بودند.

پس از آنکه ما بدینال روزی وارد منزل تره کی شدیم، روزی باو گفت ما باید شمارا بچی دیگری نقل مکان بدهیم. تره کی کارت جزئی خود را به روزی داد و خواست کرد که آبراه امین برساند. او همچنین کیف سیاحتی را که مقداری پول و زینت آلات زلفه در آن بود به روزی داد تا چنانچه همسرش زنده مانده باشد، باو تحویل دهد. پس از آن همه ما به طبقه پائین آمدیم. روزی تره کی را به داخل اتاقی که قبلاً یکی از خدمتکاران در آن زندگی میکرد، برد و امین گفت برو برای تره کی یک استکان آب بیار، زیرا او تشنه است. ولی سپس تغییر عقیده داد و گفت لازم نیست تو واقیل دنبال آب بروی. باوجود این من دنبال آب رفتم. هر چه جستجو کردم لیوان برقی آب پیدا نکردم و وقتی بر گشتم دیدم روزی و واقیل دستهای تره کی را با یک حوله بسته و او را روی تخت خواب خوابانده اند. واقیل روی پاهای تره کی نشسته و روزی با بالسی که روی دهان تره کی گذاشته بود، او را خفه میکرد. روزی بن دستور داد پاهای

افزایش تولید دامپروری در اتحاد جماهیر شوروی

جدول زیر روند تولید برخی از محصولات دامپروری و مرغداری را در اتحاد جماهیر شوروی در بیست سال اخیر نشان میدهد:

فرآورده	۱۳۲۰-۲۲	۱۳۴۵-۴۹	۱۳۵۰-۵۴	۱۳۵۵-۵۹
گوشت (میلیون تن)	۹/۳	۱۱/۹	۱۲/۰	۱۴/۸
شیر (میلیون تن)	۶۲/۷	۸۰/۶	۸۷/۳	۹۳/۲
تخم مرغ (میلیارد دانه)	۳۶۲	۳۹۸	۴۲۲	۴۵۸

بودجه نظامی آمریکا افزایش می یابد

بودجه تسلیحاتی ایالات متحده آمریکا در پنج سال آینده، سالانه ۴/۲-۵/۳ درصد افزایش خواهد یافت. بودجه پنتاگون برای سال مالی آینده ۱۶۱۸۰۰ میلیون دلار تعیین شده است، که ۲۰۰۰ میلیون دلار بیشتر از امسال است و رکورد جدیدی بشمار میرود.

بمناسبت کارزار همبستگی بین المللی با زندانیان سیاسی مصر

رژیم کتونی مصر سلاطنت که مخالفان سیاسی خود را از هر گونه امکان این از عقیده محروم کرده است. به موجب یکی از قوانین مصر، هر گونه تجسمی که از پیش از چهارادقی تشکیل گردد بدست در بانه مسائل همگانی بروداند، ممنوع است. به موجب قانونی دیگر، «دادستان سوسیالیست (۱)»، که مقامی مستقل از قوه قضایی است، حق داد که قرار بازداشت هر کسی را که صلاح بداند، صادر کند. مدت بازداشت، نخست ۶۰ روز تعیین گشته است، ولی میتواند تا پنجسال، بدون بازجویی و محاکمه شخص بازداشت شده، ادامه یابد. در مصر جندی است که به موجب قانونی، شاید بی نظیر در دنیا، اظهار عقیده در باره «دولت مردان» چن بشمار میرود. این قانون، که قانون ارزشهای اخلاقی نام دارد، با وجود مخالفت همه سازمان های قضایی آن کشور، از جمله «انجمن و شورای عالی دادگستری»، «انجمن دادرسان» و «شورای عالی قضات»، به تصویب مجلس دست نمانده مصر رسیده. رژیم سادات در سالهای گذشته، برای نادیده گرفتن دادگستری به تشکیل «دادگاه» های گوناگون، از قبیل «سلسلح دادگاه صحرائی غیر نظامی ها»، «دادگاه» و «وزیر» و «دادگاه خلق» و «دادگاه انقلاب» اقدام کرده است. در ده سال گذشته بیش از ۷۰۰۰۰ زندانیان مصری به اتهامات بی پایه سیاسی بنندان افتادند بسیاری از آنها وحشیانه شکنجه جسمی و روحی شده اند. یکی از شیوه های رایج، تهدید به هتک ناموس از همسر، خواهران و سادات از زندانیان سیاسی در بر این اوست. در میان این زندانیان، چهار شخصیت برجسته است، که در زمان ریاست جمهوری جمال عبدالناصر سمت های مهمی را حائز بودند و پس از

تره کی را بگیرم ولی من اینکار را نکردم. ۱۵ دقیقه بیشتر طول نکشید که تره کی جان داد. بعد از آن او را کفن کردیم و از ساختمان خارج شدیم. خلود دریا سبز بازیرس که چه شامتی این کار انجام شد، گفت در ساعت ۳:۰۳ دقیقه قتل انجام گرفت و سپس بخش را به ما شینیکه قبلاً پشت در ورودی پارک شده بود، منتقل کردیم. روزی پشت فرمان نشست و ما بسوی درخوردی کانت روان شدیم. در نیمه راه، جاننادر ما متوقف کرد و بی سیم کوچکی در اختیار روزی گذاشت و گفت همانجا بماند و با او در ارتباط باشد. مارا خود را ادامه دادیم و به گورستان رسیدیم و در آنجا دیدیم که قبر تره کی از پیش آماده است. پس از آنکه تره کی دفن شده، روزی با بی سیم بافرمانده گارد رابطه داشت و خبر داد که دستور اجرا شده است، سپس همه ما نزد جاننادر بازگشتیم. جاننادر سرپای را صدا زد دستور داد برای ما غذا بیآورند، ما

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.





# سالگرد درگذشت رفیق محمد رضا قدوه را گرامی می‌داریم

۱۴ تیر ماه ۱۳۵۸ قلب پرشور رفیق محمد رضا قدوه عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران در آستانه شصت و هفتمین سال زندگی، از حرکت باز ماند. مردی که روح پر نشاط، انرژی جوشان، هوش تیز و اعتقاد راسخ به راه حزب، شخصیهای او بعنوان انسان زنده بود.

رفیق قدوه در يك خانواده روحانی در لاهک پدیا آمده، پس از اتمام تحصیلات مذهبی در حوزه علمیه قم، به تهران آمد و با موفقیت تحصیلاتش را در دبیرستان و دانشسرای عالی بی پایان رساند.

وی از یاران و همزمان ایرانی بود و همسرش وی در سال ۱۳۱۶ در جمع ۵۳ نفر، زندانی شد و پس از سقوط رژیم فاشیستی رضاشاه، همراه دیگر یاران از زندان رهائی یافت. چندی پس از رهائی، به حزب توده ایران پیوست و از آن پس تمام انرژی جوشان و خرد سیاسی خویش را تا آخرین دم زندگی، وقف راه حزب ساخت.

در دوران حکومت ملی دکتر مصدق، غیر جمعیت مبارزه با استعمار بود. وی فعالیت پرشوری در دفاع از صلح داشت و تا آخر عمر عضو شورای جهانی صلح بود.

رفیق قدوه پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد بعثت دفاع از شعار جمهوری، بطورغیابی محکوم به اعدام و لذا مجبور به مهاجرت شد. وی در دوران طولانی مهاجرت دمی از پای نشست و با فعالیت سیاسی و مطبوعاتی و سازمانی، برای روشن نگاه داشتن چراغ حزب و انشاء رژیم ددمنش محمد رضا پهلوی بجای کوشید. در پلنوم هفتم کمیته مرکزی به مقام عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب گردید و سپس به مقام عضویت در هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب که بالاترین مقام رهبری است رسید و در این مقام پیوسته وظایف سنگین را با موفقیت و صمیمیت اجرا کرد. پس از انقلاب پیروز شد، مردم ایران، رفیق قدوه به ایران آمد و در فعالیت حزب و رهبری آن شرکت جست. او برای شرکت در جلسه شورای جهانی صلح به خارج رفت و در جریان مأموریت، مرگ ناہنگام در رسید.

خاطره تابناک رفیق ارجمند محمد رضا قدوه را همزمان، دوستان و خویشانش هرگز فراموش نمی‌کنند. نام وی در دفتر زمندگان راه استقلال، آزادی و ترقی مبین عزیز ما جاوید خواهد ماند. حزب توده ایران وی را از فرزندان راستین خود می‌شمرد و یادش را گرامی میدارد.

(بروین)

## اعضاء و هواداران حزب توده ایران فعالانه در پاکسازی تهران شرکت کردند



سادهای پاکسازی حزب توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران که بدعوت شهرداری تهران تشکیل شده بودند، از ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز پنجشنبه ۱۳۵۹/۳/۱۲ کار خود را در میدان شاه و چهارراه پمپ و خزان، روبروی ترمینال آغاز نمودند. ابتدا کلیه اعضای ستاد پاکسازی بوسیله جاروها و برس‌های سیمی که اکثر آن طرف شهرداری تهیه شده بودند، پوستری

های خیابانهای یادآور، خزانه فدائیان اسلام، پمپ و شوش را از روی دیوارها پاک کردند. اینکارها هنگام ظهر بطول انجامید. سپس گروه نقاشی حزب توده ایران تا غروب بر دیوارهایی که توسط بنیاد هواداران حزب سفید شده بود نقاشی‌های ضد امپریالیستی رسم کردند.

استقبال مردم از گروه پاکسازی تهران در ساعت ۵ بعد از ظهر بکار خود پایان دادند.

## مصاحبه آقای حبیب الله پیمان با خبرنگار خبرگزاری تاس

آقای حبیب الله پیمان رهبر جنبش مسلمانان مبارز، طبق خبری که رادیو مسکو پخش کرد، در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری تاس گفت: وجه مشخصه مرحله کنونی در تاریخ ایران این نکته است که تمام آثار تمدنی و سلطه امپریالیسم آمریکا ریشه کن می‌شوند. حبیب الله پیمان در دنباله سخنان خود گفت: مبارزه ضد امپریالیستی، بویژه مبارزه علیه دشمن عمده ما امپریالیسم آمریکا، پایه و اساس تمام جنبش انقلابی مردم ایران را تشکیل میدهد که رژیم ضد ملی و پویشی شاه را ساقط کرده، این امر و اساس خط مشی آیت الله خمینی است و لذا ما باید سلاح های خود را متوجه آمریکا سازیم. حبیب الله پیمان سپس گفت: رهبری انقلاب ایران با دفتر فراوان مراقب جریان افزایش نیروهای مسلح آمریکا در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس است و هرگونه تلاشی را جهت انجام مداخله در امور کشور ما، محکوم میسازد. بدون شک مردم انقلابی ایران سبب تجاوزه کارانه نظامی آمریکا را خنثی خواهند کرد. آنها در این امر متفق القولند. حبیب الله پیمان خاطرنشان ساخت که امام خمینی رهبر کشور و همگی مردم، به وجود تضادهای آشتی ناپذیر بین اخلاق انسانی و ماهیت امپریالیسم آمریکا، که برخلاف منافع و مصالح ملل جهان عمل می‌کنند، پی می‌برند. حبیب الله پیمان افزود وی در ایران نیرو-هایی هستند که می‌خواهند کشور را از این خط مشی منحرف سازند و اختلاف نظرها و تضادها با آمریکا را به عقب بیانندازند. مثلا تلاشهایی جهت دامن زدن به مسئله افغانستان بعمل می‌آید تا راه پری دشمن عمده یعنی آمریکا باز شود. این عناصر می‌کوشند برای ساخت و پخت با واشنگتن زمینه‌های بوجود آوردن و مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران را بهم بزنند. ولی مردم ایران چنانچه امپریالیسم آمریکا در ایران را هرگز فراموش نخواهند کرد. حبیب الله پیمان گفت انقلاب ما هنوز به پایان نرسیده است و مرحله به مرحله راه تکامل را می‌پیماید. آثار عمیقی که استثمار ملی قرن متمادی در ایران بجای گذاشته هنوز موج نهد است. حوادث سیاسی پر جوش و خروش یک سال و نیم پس از انقلاب بر رهبری کشور فرصت نداد که اقدامات انقلابی در زمینه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و نظامی و دیگر رشته‌ها را انجام دهد. اکنون کشور با مشکلات بسیار سختی روبرو می‌شود و تحریم اقتصادی دنیای سرمایه داری از جمله این مشکلات است. حبیب الله پیمان اظهار عقیده کرد که برای گسستن حلقه محاصره اقتصادی که ایالات متحده آمریکا، اروپای غربی و ژاپن در مورد ایران بکار بسته‌اند ایران باید با دیگر کشورها که در مورد همکاری هیچ قید و شرطی مطرح نمی‌کنند، از جمله کشورهای سوسیالیستی، روابط بازگشایی و اقتصادی را گسترش دهد. حبیب الله پیمان در پایان سخنان خود گفت ما یقین داریم که اتحاد شوروی ابتدا اندیشه خصمانه در مورد انقلاب ایران ندارد و نمی‌خواهد هیچ زبانی به آن وارد آید. ما علاقه داریم همسایگانی داشته باشیم که با آنها بتوان روابط آزادانه و برابری داشت.

## رئیس سازمان امنیت کرج آزاد شد!

مسلمانان انقلابی به این عمل شدیداً اعتراض می‌کنیم! رئیس سازمان امنیت کرج، سرهنگ پیرمائی که در دادگاه انقلاب اسلامی کرج به ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، از زندان آزاد شد.

## اقدام موثر

فرانسوا پونس وزیر خارجه فرانسه در جواب سؤال خبرنگار نیوزویک مبنی بر اینکه در حال حاضر برای کمک به آمریکا در جهت تأمین آزادی کرجاگان چه اقداماتی را پیشنهاد می‌کنید، گفت: «تاکنون هرچه از دستمان برآمده انجام داده‌ایم... خود من شخصا دوبار در این مورد با صادق قطب‌زاده وزیر خارجه ایران ملاقات کرده‌ام. دیگر چه اقدام موثری میتوان انجام داد» (انقلاب اسلامی، ۲۷ خرداد)

## شوخی نیست...!

### اگر حاج شکور می‌شنید...

وزیر اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران و هیات همراه وی به مسجد تازه بین باکوفت و اعضای هیئت باحاج اله شکور شیخ الاسلام مسلمانان قفقاز دیدار کرد.

### مشکلات مربوطه

وزیر نفت ایران در مورد ادعای پرویز پتروشیمی و احتمال مذاکره با کشورهای دیگر گفته است: «مقدمات لازم را با کشورهای اروپای شرقی فراهم کرده بودیم ولی بنا بر اطلاعاتی که از مذاکرات انجام شده در توکیو داریم مشکلات مربوطه تسخیر و رفع شده است و طرف ژاپن آماده پذیرش نظریات ایران است... ودلیلی بر این که دیگران را چنانچه زاپنها بکنیم نمی‌بینیم...»

### راه نجات پاکستان

حالا که برخی از مسئولین مملکتی با جدیت پاکسازی آورده‌هاو اسامی (۱) را وسیله‌ای قرارداده‌اند تا به اساس طاغوت و طاغوتیان دست نی‌نند، بهتر است علاقه‌مندان به حسن روابط با رژیم پاکستان اسم جناب آقای شاهی (پخشید آقا شاهی) را، که مرتب در رفت و آمد و نشست و برخاست با آنها هستند، عوض کنند تا با این ترتیب پاکستان از سلطه آمریکا خارج شود و رژیم این کشور پاکسازی گردد.

### کدام درست است؟

«آقای کرامت‌الله امیر اکف معاون ریاست کمیته دائمی روابط اقتصادی شوروی با کشورهای خارجی در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگاران اعزامی خبرگزاری تاس پاسخ داد: «ما آماده ایم کشتی‌های خود را با ظرفیت زیاد برای حمل کالا به مقصد ایران اختصاص دهیم، وی درباره حمل و نقل از طریق راه آهن و دریایی و اتوموبیل گفت: «در صورت دولت شوروی آماده است با ایران در این زمینه همکاری کند تا ایران هیچ مشکلی در این زمینه نداشته باشد» (جمهوری اسلامی، ۸ تیر)

### در مطبوعات کشور

از مصاحبه حجت الاسلام مجتهد شبستری سه زمینه نارسائی‌هایی که امام از آن یاد کرده‌اند

شورای انقلاب در این مدت بیش از یکسال و نیم بجای آنکه يك ارگان پیشنهاد باشد بحالت يك سنگر و سپر بلا درآمده و سعی آن در این بود که وضع بعد از پیروزی انقلاب را حفظ کند و به این جهت نارسائی‌های مشخصی در گزارش دیده می‌شود. پیش از هر چیز این نارسائیها در سه جهت بود.

یکی اینکه شورای انقلاب نتوانست يك موضع اقتصادی انقلابی بنفع مردم و جامعه عرضه کند. ما نداشتیم خط اجتماعی کردن این ارتولید دسته جمعی و همچنین بریدن دست واسطه‌ها که بسیاری از گرفتاری‌های اقتصادی به ضرر مردم و نارسائیها است. همچنین مبارزه قاطع کردن با احتکار و مانند اینها.

دوم اینکه شورای انقلاب از اول با کار کردن در داخل سیستم اداری موجود این سیستم را بر سرست شناخت و به آن تسلیم شد. و کار کردن با این سیستم را مشروع اعلام کرد. در حالیکه یکی از بنیادی ترین کارهای انقلابی که بایستی انجام بگیرد در سیستم اداری است. یعنی باید سیستم اداری بکلی دگرگون شود. شورای انقلاب نتوانست تنها نکرد بلکه ضرورت آنرا نیز مطرح نکرد.

سوم اینکه شورای انقلاب با افکار و جریانهای سیاسی موجود در مملکت برخورد واقع بینانه نکرد و در این زمینه يك نسخه سیاسی مشخص برای مملکت عرضه نکرد و کیفیت رفتار با مخالفان سیاسی را مشخص نکرد. مرز آزادیها را معلوم نکرد مطالب لوث شد. شورای انقلاب در همه زمینه‌های یاد شده اختیارات را از آن خود دانست ولی مسئولیت پس نداد و این مطلب باعث بی اعتمادی مردم به شورای انقلاب شد و ناچار شدند این بی اعتمادی را با تأیید اسام از شورای انقلاب جبران کنند. نتیجه کار این شد که رهبری درگیر جریانهای روز مملکت شد در حالیکه رهبری نمی‌بایست درگیر جریانهای باشد من فکر می‌کنم نارسائی‌هایی که امام از آن یاد کرده‌اند بیشتر مربوط به این سه زمینه می‌شود.

(کجهان، ۱۱ تیر)

## اعلامیه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به دنبال حمله اوپاشان چماق‌دار و عمال ضد - انقلاب به دفتر این سازمان در شهر آذر، طی اعلامیه‌ای، مهرسرت شده تشکلات ایالتی سازمان در استان فارس را از درجه اعتبار ساقط کرد.

در قسمتی از اعلامیه سازمان جوانان دمکرات ایران آمده است: «سازمان هیچ مسئولیتی در قبال اسنادی که با این مهر امضاء شده باشد، ندارد».

## شماره‌های گذشته نامه «مردم» برای فروش به طور تک شماره آماده است

به دفتر نامه «مردم» مراجعه فرمایید

# برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

## اطلاعیه کانون دانش آموزان ایران

کانون دانش آموزان ایران بدنبال حمله دستجات ضد انقلاب به دفتر کانون در شهر آذر، و سرقت مهر این کانون، اطلاعیه‌ای صادر کرد.

در این اطلاعیه که برای جراید فرستاده شده، آمده است که کانون دانش آموزان ایران به اطلاع هم میهنان عزیز و کلیه ادارات دولتی، سازمانها و احزاب سیاسی می‌رساند: «... از این تاریخ کلیه اسناد و مدارک و یا اعلامیه‌هایی که با این مهر باشند از درجه اعتبار ساقط است.»

## نامه فرود ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذرشماره ۶۸  
تلفن: ۹۳۳۳۴۹-۹۳۵۷۸۸  
شماره تلکس: 214081 TPI IR  
چاپ: کربان  
**MARDOM**  
No. 274  
5 July 1980  
Price:  
West - Germany 0.80 DM.  
France 2 fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 fr.  
Italy 330 L.  
USA 20 Cts.  
Sweden 1.50 Skr.